

\* اگر انسان دید نزد دیگران

محبوب است،

مورد احترام پدر

و مادر است مورد احترام آموزگار

و مسئولین است می گوید من

شخصیتم محترم است

نباید خلاف کنم و لذا

کمتر آلوده می شود.



\* پیامبر(ص) طی حدیثی

فرمود من پنج چیز را انجام

می دهم و تا موقع مرگ رها

نمی کنم از جمله من به بچه ها

سلام خواهم کرد تا بعدها برای

امت من سنت بشود و

بعد از من، امت من به

بچه ها سلام کنند.

تا اینکه مرتکب خلاف اخلاق نشود یا پدر و مادرش را بخواهیم و بگوئیم اینجوری است نمره اش را کم کنیم از کلاس اخراجش کنیم پرونده اش را بدهیم و اینگونه روشهایی که معمول است بین پدر و مادر و دبیران مدرسه و بعضاً نظایر اینهاست.

ما بحثی نداریم که این روش تا چه مقدار مفید است یا مضر آیا اسلام اجازه می دهد اگر اجازه نمی دهد تا چه حد اجازه نمی دهد و اگر اجازه می دهد تا چه حد ما فعلاً در این قسمت بحثی نداریم این بحث جدایی است اما صحبت ما این است که آیا روش تربیت منحصر به توبیخ و تحقیر است آیا بوسیله بزرگداشت، احترام و شخصیت دادن نمی شود اصلاح کرد. بچه ای که درس نمی خواند حتماً باید گفت تو تنبل هستی، بی سواد هستی، بی عرضه هستی یا می شود تعریف و تمجید کرد و به این وسیله او را وادار بدرس خواندن نمود یا بچه ای که معتاد است معتاد به اعمال خلاف شرع یا مواد اعتیاد آوری امثالهم آیا باید تنبیه و توبیخ کرد یا راهی هم دارد که بوسیله بزرگداشت اینکار را بکنیم بحث امروز در این رابطه است که آیا با بزرگداشت

# نقش تکریم شخصیت در تحویل روحی کودکان و نوجوانان

■ آیت الله ابراهیم امینی

● اولین موضوعی که بنظر رسید در این نشست مطرح شود، انقلاب و آموزش و پرورش بود یعنی این مسئله را بررسی کنیم که آموزش و پرورش چه بوده و چه باید باشد و انقلاب آمده که چه رسالتی را در این قسمت بعهده بگیرد چه کارهایی شده و چه کارهایی باید بشود به فکر رسید یک موضوع تربیتی مطرح شود که شاید برای حاضران مفید باشد موضوع مورد نظر یک موضوع پرورشی است که مربوط به تعلیم و تربیت است تحت عنوان «نقش احترام در تعلیم و تربیت».

اگر یک بچه ای خوب درس نخواند و تکالیفش را انجام ندهد یا اینکه مبتلا به فساد اخلاق هر چه که باشد یا از جهت انحرافات جنسی یا سرقت و اذیت و آزار بود برخوردی که مسئولین و پدر و مادر دارند این است که توبیخ می کنند، سرزنش می کنند در مقابل صف معرفی می کنند پدر و مادر مرتب تشر می زنند و سرزنش می کنند که توبیخ عرضه و تنبیل هستی فلانی پسرش بهتر از تو است از این نوع یا معلم نمره ندهد و عناوینی مثل بی سواد احمق، کودن، نفهم و تحقیرات اینگونه بکار برد و تنبیه کند

و شخصیت دادن کودک می تواند در طریق اصلاح قرار بگیرد یا نمی تواند. روی هم این مطلب هست که ما از روایات استفاده می کنیم که احترام و بزرگداشت می تواند در طریق صحیح قرار بگیرد و فرد را اصلاح کند از انحراف حفظ کند، از اینکه بچه خلافکار و معتاد بشود و.

بزرگداشت و احترام یک چنین هنری را دارد از روایات می توانیم این مطلب را بخوبی دریابیم بنابراین می شود بعنوان یک وسیله اصلاح مورد استفاده قرار داد.

ابتداءً این مطلب روانی را بگویم که انسان موجودی است که حب به ذات و حب به شخصیت دارد یعنی هر کس اول خودش را دوست دارد اگر فرزندش را بخواهد، برای خودش می خواهد اگر همسرش را دوست دارد برای خودش است اگر مال دوست دارد، برای خودش است هر چیزی دوست داشته باشد بعنوان اینکه خودش را می خواهد پس حب به شخصیت و ذات در هر انسانی هست و بد و مذموم نیست این طبیعی هر انسان است از لحاظ روانی اگر انسان احساس شخصیت بکند اگر خودش را بزرگ بیند و آقا بیند این نوعاً برای حفظ شخصیت خودش تلاش می کند کارهایی می کند که شخصیت خودش محفوظ بماند بلکه کاملتر شود.

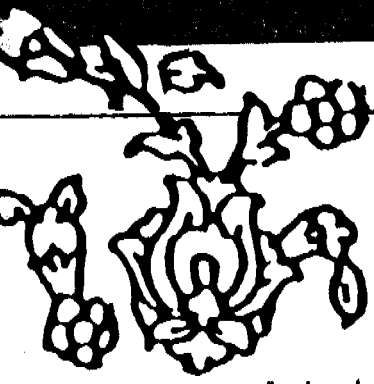
اگر یک انسانی مورد محبت افرادی هست، مردم به این علاقه دارند و او را بعنوان فرد بزرگی می شناسند و خودش معتقد است که محترم و عزیز است این سعی می کند شخصیت خود را حفظ کند و در نتیجه کارهایی را مرتکب نمی شود که این شخصیت را

لکه دار کند کاری را انجام نمی دهد که خلاف شأنش باشد سعی می کند آن چیزهایی که به او شخصیت و آبرو می دهد بیشتر انجام دهد هر انسانی اینطور هست و این طبیعی است و بعکس اگر انسانی خودش را کوچک بداند، پست بداند، نالایق بداند، فرومایه بداند، باکی ندارد، کار خلاف انجام بدهد می گوید من کسی نیستم هر کاری انجام بدهم مشکلی ایجاد نمی شود من کسی نیستم که بخواهم این کس را حفظ کنم شخصیت را حفظ کنم اینجوری هم شخصیت ندارم وقتی اینطور شد این به هر کاری ممکن است دست بزند تصور این است که هر کاری بکند طوری نیست این طبیعی هر انسان است و کودک هم یک انسان است، بچه از وقتی خودش را می شناسد در حدود ۴-۳ سالگی شعور پیدا می کند (که انسان است) مشمول این جریان است که عرض کردم اگر این انسان دید نزد دیگران محبوب است مورد احترام پدر و مادر است، مورد احترام آموزگار و مسئولین است، می گوید من شخصیت محترم است نباید که خلاف کنم و لذا کمتر آلوده می شود آلوده به انحرافات نمی شود و سعی می کند مرتب کاری بکند که شخصیت خود را بالا تر ببرد.

برعکس اگر بچه ای بیند در خانه مورد محبت نیست دوستش ندارند، اجتماع او را دوست ندارد معلم و مسئولین به او محبت ندارند در برابر آنها شخصیتی برای خود نمی بیند که حفظ کند، می گوید که من چرا سالم باشم زمانی که اجتماع مرا دوست ندارد، پدر و مادر مرا دوست ندارند

ممکن است دو حالت پیش بگیرد از جهتی که خود را پست می داند هر کاری بکند و چون عقده باطنی پیدا کرده می خواهد کاری کند که این عقده را خالی کند محبوب نیست دوستش ندارند شخصیتی هم برایش قائل نیستند برای اینکه سرپوشی روی عقده روانی خود بگذارد ممکن است به کارهایی دست بزند که سرپوشی روی این عقده بگذارد، آلوده به گناه شود، آلوده به انحراف جنسی، مبتلا به استمناء شود که تسکین پیدا کند، دوم اینکه ممکن است بگوید حالا که این پدر و مادر مرا دوست نمی دارند انتقام بگیرم حالا که پدر و مادر و مسئولین مرا دوست ندارند احترام نمی کنند باید از اینها انتقام بگیرم آنوقت چه حرکاتی واقع می شود؟ قتل، سرقت، جنایت ... و

اگر قبول ندارید مراجعه کنید به آماري که از معتادین و بزهکاران گرفته شده اکثر معتادین و بزهکاران باین مشکلات که مبتلا شده اند، وقتی پرونده هایشان بررسی می شود یا در خانواده مورد تحقیر و سرزنش بوده اند و توی سرشان کوبیده شده یا در مدرسه نوعاً اینجوری است، مادریک جوان معتاد بمن مراجعه کرد و التماس می کرد که جوان من اینجوری است و معتاد شده مرا راهنمایی کنید، بعد از مقداری احوالپرسی متوجه شدم بواسطه حرکاتی که خانواده داشته و او را تحقیر می کرده اند به مواد مخدر پناه آورده که من توصیه کردم، به این جوان شخصیت بدهید احترام کنید اتفاقاً تا حدی مؤثر شد و مادرش بعد از مدتی خبر آورد که ترك کرده، البته حالا اگر بعد معتاد شود نمی دانم، فکر



**\* آیا روش تربیت منحصر به تویخ و تحقیر است؟ آیا بوسيله بزرگداشت، احترام و شخصیت دادن نمی شود اصلاح کرد؟**

مخلوط میشوند و آنچنان درهم میشوند که یک واحد را تشکیل میدهند این تألف است) یعنی او و بچه اش دوست شوند. شاگرد و معلم دوست می شوند درست مثل اینکه معلم یا والدین در سطح بچه هستند و بعد می فرماید تعلیم و تأدیب بکنند او را یعنی احسان و الفت مقدمه تعلیم و تأدیب است.

پس اگر رفتار احترام آمیز باشد جلوی هشتاد درصد انحرافات بچه ها گرفته میشود که مبتلا نشوند و مرحله بعد اگر مبتلا هستند چه کار کنیم؟ نکات مثبت وجود او را اول ببینیم تأیید کنیم، تشویق کنیم (شخصیت بدهیم) و در سایه این شخصیت دادن، نقطه ضعف او را یادآور شویم بطور مثال: بچه ای که در مشق نوشتن خط بدی دارد به این بدی فقط نگاه نکنیم صدها خوبی دارد آنها را هم ببینیم، خوبی ها را تشویق کنیم بگوئیم آفرین جغرافیای خوب است سرصف معرفی کنیم، بعد بگوئیم این خط را هم اگر درست کنی عالی میشود یا دانش آموزی که کار خلافی کرده با او دو جور میشود برخورد کرد یک روش

رفتارشان در جهت جبران آنها است. این مطلب که روان شناسان سالها رویش بحث کرده اند و ما در روایات دیگر می بینیم از جمله امام علی (ع) می فرماید: **الْغَيْبَةُ جَهْدُ الْعَاجِزِ** (غیبت کردن کوششی است که آدم عاجز می کند) آدمی که در باطن او عجز است، پستی است دست به غیبت می زند چرا؟ مثلاً می بیند در فردی یک صفت خوبی هست و در او نیست می خواهد این پستی و ذلت خود را جبران کند تلاش می کند تا او را هم کوچک کند، آبروی او را بریزد این تلاش و کوششی است که منشاء آن عجز انسان است.

از این مجموعه اینجور استفاده میشود که اگر شخصیت فردی محترم تلقی شد، می توان اصلاحش کرد و اگر شخصیت او خرد شود و تحقیر شود بدتر میشود که بهتر نمی شود. روایت دیگری از رسول الله (ص) است در این باره:

**قَالَ النَّبِيُّ (ص) رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَعَانَ وَلَدَهُ عَلِيٌّ ثَرَهُ، بِالْإِحْسَانِ إِلَيْكَ وَتَأَلَّفَ لَهُ وَتَعَلَّمِيَهُ وَتَأَدَّبِيَهُ،** خدا رحمت کند بنده ای را که کمک کند به فرزندش در خوب شدن، به اینکه احسان کند، به این بچه، پیغمبر (ص) می فرماید به احسان کردن بچه خوب میشود در حالیکه ما می گوئیم بچه را تأدیب کنیم تا خوب شود پیامبر (ص) می فرماید به او احسان کنید (و تألف له) و الفت بگیرید با بچه با او دوست شوید آنقدر دوست شوید که به عمق جانش نفوذ کنید که هر چه دارد برای شما بگوید. (تألف از الفت نوعی ترکیب است یعنی دو جزء یا هم

نکنید حرکاتی که در خانواده ها پدرها و مادرها نسبت به فرزندانشان دارند و متأسفانه زیاد هم است زیانش کم نیست اینها آثارش بعدظاهرمی شود و خود پدر و مادر ناراحت می شوند حالا یکی دو روایت می خوانم و بعد توضیح می دهم.

قال علی (ع)

**مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَانُهُ**

امام علی (ع) فرمود، هر کس نفسش گرمی باشد یعنی خود نفس خود را محترم بشمارد، با شهواتها و تمایلات نفسانی اش بهتر می تواند مبارزه کند چون هر انسانی شهواتی دارد در ذات خود اگر نفس گرمی باشد، بزرگوار باشد، محترم باشد، بسادگی می تواند این کارهای زشت و خلاف و شهوات را ترک کند.

قال امام الهادی (ع)

**مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ سِرَّهُ**

هر کس نفسش نزد خودش خوار و کوچک شد، از سرش در امان نباشید. اگر کسی کوچک شد همه کار می کند از این افرادی که نوعاً شخصیت ندارند و کوچک هستند و خودشان را پست می دانند باید جداً احتراز کرد، در حالیکه یک بزرگ زاده و کسی که خودش را بزرگ بداند چنین نمی کند و می تواند مورد اعتماد قرار بگیرد.

اصولاً روان شناسان مطلبی را می گویند و حق هم هست روایات هم تأیید می کنند، آنهائی که در رفتارشان یک نحوه شرور دیده می شود و خلاف می کنند، بواسطه اینست که در باطن خود پستی و ذلت احساس می کند و

**\* این جوانها که به جبهه می روند آیا آنها را توبیخ کرده اند در سخنرانی های امام یک سخنرانی سراغ دارید که امام توبیخ کرده باشند، امام می فرمایند من رهبر نیستم رهبر شما آن طفل ۱۳ ساله است که زیرتانک می رود.**

اینکه بلافاصله و مستقیم متذکر انحراف او شده و تحقیرش کنیم (که اسلام نمی پسندد)، روش دوم اینکه بگوئیم خانواده تو محترم است نکات مثبت دیگرش را ذکر کنیم احترامش کنیم بعد بگوئیم تو که اینقدر خوبی حیف است این ضعف را داشته باشی و اگر این ضعف را نداشته باشی غوغا میشود. اگر بدی هایش را بگوئی می گوید من که آب از سرم گذشته چه یک متر چه صد متر. خیلی از عادت های زشت بچه ها را به همین روش میتوان رفع کرد ما باید روش ائمه و پیامبر(ص) را سرمشق رفتارهای تربیتی خود قرار دهیم ما باید ببینیم ایشان چه می کردند پیامبر(ص) طی جدی می فرمایند من پنج چیز را انجام میدهم و تا موقع مرگ هم رها نمی کنم از جمله:

وتسلمی علی الصبیان حتی تکون سنت من بعد من به بچه ها سلام خواهد کرد تا بعدها برای امت من سنت بشود و بعد از من امت من به بچه ها سلام بکنند، پیامبر عظیم الشأن اسلام با آن همه مقام و منزلت چه می کند سلام می کند به بچه های کوچک تا سنت

شود برای امتش یا رسول الله باید با تأسف عرض کنم که ما امت توهیج این عادت را نداریم و همیشه منتظریم این طفلان به ما سلام کنند. در احوال پیامبر(ص) نوشته اند وقتی به سفر می رفت بچه ها خبر می شدند پابرهنه روی ریگ های داغ دوان دوان خود را می رساندند می آمدند استقبال پیامبر(ص) بزرگ ترها هم می آمدند، پیامبر(ص) وقتی میدیدند بچه ها آمده اند از مرکبی که سوار بودند پیاده می شدند به احترام بچه ها مقداری خوش و بش می کردند احوالپرسی می کردند، نوازش می کردند بعد هر چه مقدور بود بچه ها را سوار شتر خود می کردند و به اصحاب می فرمودند اینها را سوارشان کنید خودشان می ایستادند بعضی ها را هم خودشان سوار می کردند، آنوقت بچه ها افتخار می کردند یکی می گفت من را پیامبر(ص) سوار شتر خودش کرد این راه نفوذ است اگر پیامبر توفیق یافت این همه تحول را در امت آن زمان بیافریند در اثر این رفتار بود نه در اثر صحبت کردن ها و تبلیغ کردن ها. بچه ها اینجورند نیازشان این است پیامبر(ص) بی جهت اینگونه عمل نمی کند. نگاه کنید پیامبر نسبت به حسن و حسین چه جور رفتار می کردند نسبت به حضرت زهرا(ع) چگونه؟ این اختصاص به خانواده ایشان نداشت با همه اینجور رفتار می کردند. چون پیامبر می دانست که باید بچه ها را شخصیت داد. امام امت را بنگرید یک مقدار از ایشان درس بگیرید هرگاه گروهی حضور ایشان برسند و در بین آنها بچه ای باشد ممکن نیست

او را مورد لطف مخصوص قرار ندهند در حسینه گاهی بچه ها را می آوزند امام دست به سر آن ها می کشند با این دست کشیدن ها بچه، امام دوست میشود. این جوانهای ما که اینجور به جبهه میروند آیا آنها را توبیخ کرده اند در سخنرانی های امام یک سخنرانی را انصافاً سراغ دارید که امام توبیخ کرده باشند امام می فرماید من رهبر نیستم رهبر شما آن طفل ۱۳ ساله است که زیرتانک می رود. می خواهید چه قدر احترام و شخصیت بدهد به این بچه ها آنوقت توقع دارید بچه ها جانشان را فدای اسلام نکنند. جوان وقتی می بیند به او شخصیت میدهند او هم می رود دنبال همین جهت امام می گویند شما همه کار می توانید بکنید شما قدرت دارید ندیدیم که امام افراد را کوچک کرده باشد، تحقیر کرده باشد، همه اش تشویق است رمز رهبری این است. اگر امام را رهبری ممتاز می دانیم برای این است که یک همچو رهبری است، می داند راه چیست. پس خلاصه اینکه در اصلاح بچه ها تا می توانید آنها را بزرگ بدارید و شخصیت بدهید با احترام کردن بدیهایشان را اصلاح کنید، این راه مؤثرتر از راههای دیگر است.

خدایا به عظمت قرآن قسم می دهیم ما را از خدمتگزاران فرهنگ اسلام قرار بده و ما را از تداوم دهندگان انقلاب قرار بده ایمان کامل بما عطا بفرما، انقلاب ما را به انقلاب جهانی مهدی(عج) متصل بفرما وجود امام را محفوظ بدار.

والسلام